

فساد، اندازه دولت و درجه بازی اقتصاد در مدل‌های رشد^۱

دکتر احمد جعفری صمیمی* دکتر زهرا (میلا) علمی** علی صیادزاده***

دریافت: ۸۷/۹/۱۰

پذیرش: ۸۹/۳/۲۰

اندازه دولت / فساد اقتصادی / درجه بازی اقتصاد / رشد اقتصادی / سیستم معادلات
همزمان

چکیده

فساد اقتصادی از پدیده‌های ناهنجار اقتصادی، سیاسی و اجتماعی است. بررسی عوامل اثرگذار بر پدیده فساد و همچنین اثرات فساد بر عملکرد اقتصاد کلان از موضوعات مهم دهه‌های اخیر است. مقاله حاضر، ضمن بررسی علل پیدایش فساد (از جمله قوانین و مقررات، نظام قضایی، مخارج دولتی و عوامل نهادی همچون سرمایه اجتماعی)، مطالعات تجربی انجام شده در مورد رابطه فساد با شاخص‌های اقتصادی و بالاخص رشد اقتصادی را ارائه می‌کند، همچنین این شاخص و شاخص‌های دیگری که در سال ۲۰۰۸ در ۱۰۶ کشور تأثیرگذار بودند را با استفاده از یک سیستم معادلات همزمان از نظر آماری تحلیل کرده و به بررسی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر فساد و از طرف دیگر، میزان تأثیر فساد بر شاخص‌های کلان اقتصادی می‌پردازد. در این سیستم؛ درجه بازی اقتصاد و اندازه دولت به‌عنوان عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی لحاظ شده و همچنین اثر فساد بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی نیز بررسی شده است. نتایج به‌دست آمده بیانگر تأثیر مثبت درجه بازی اقتصاد بر کاهش فساد اقتصادی و رابطه معکوس اندازه دولت با شاخص فساد اقتصادی

۱. مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه دکترای علی صیادزاده به راهنمایی احمد جعفری صمیمی و زهرا (میلا) علمی است.

JAFARISA@YAHOO.COM

*. استاد گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

ZELMILA@YAHOO.COM

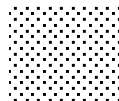
**. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران

ALI_SAYYADZADEH59@YAHOO.COM

***. دانشجوی دکترای اقتصاد دانشگاه مازندران

■ علی صیادزاده، مسئول مکاتبات.

است؛ یعنی این که هر چه اندازه دولت‌ها کوچک‌تر باشد، فضایی سالم‌تر و فساد اقتصادی کم‌تری دارند.



طبقه‌بندی JEL : F43, O40, D73.

Archive of SID

مقدمه

اصولاً مسأله‌ای همچون فساد مالی و اداری پدیده جدیدی نیست و قدمتش به اندازه قدمت دولت و خزانه است، تا جایی که کائوتیلیا (وزیر اعظم پادشاه هند باستان) تقریباً ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح در آرتاشاسترا نوشته است: «همان‌طور که غیرممکن است عسل یا سمی که نوک زبان است را نجشید، غیر ممکن است کسی هم با خزانه پادشاه سروکار داشته باشد ولی از آن بر ندارد». با این دیدگاه نه فقط فساد به اندازه دولت و خزانه قدمت دارد بلکه همه کارکنان دولت‌ها در معرض فساد مالی اند. مقوله «فساد اقتصادی» از قرن هفدهم به این سو در ارتباط با سوءاستفاده کارکنان ارگان‌های دولتی برای به دست آوردن منافع شخصی از مؤسسات خصوصی به کار برده شده است. فساد اداری و همچنین فساد مالی با فساد اقتصادی مترادف است. در سال‌های اخیر، خصوصاً از دهه ۱۹۹۰ به بعد، پدیده فساد و آثار و تبعات آن بر عملکرد اقتصاد توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. گسترش اطلاعات، افزایش دموکراسی و آزادی در کشورها، رسانه‌های پویا، افزایش ارتباطات بین‌المللی کشورها در اثر پدیده جهانی شدن و نقش در حال رشد سازمان‌های غیردولتی مانند سازمان شفافیت (TI) و مؤسسه‌های مالی بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و بانک جهانی در شناساندن مشکلات فساد و کوشش آنان برای خلق اقدامات علیه فساد، اعتماد بیش‌تر به بازار در تصمیم‌های اقتصادی و نیاز برای محیط رقابتی سالم جهت نیل به کارایی اقتصادی، از مهم‌ترین عواملی است که باعث شده پدیده فساد بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

در مجموع، فساد یک پدیده ناهنجار اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است که در همه جوامع بشری به اندازه‌های متفاوت وجود داشته و تحت شرایط معین و مساعدی رشد می‌یابد. موجودیت و گستردگی این پدیده ناهنجار با توجه به توسعه اجتماعی و اقتصادی و عمدتاً اثربخشی ارزش‌های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی یک جامعه تا جامعه دیگر فرق می‌کند. فساد اقتصادی نه تنها عدالت و حق شهروندان را نقض می‌کند بلکه برای رشد و توسعه نیز زیان‌بار است و می‌تواند بر بسیاری از متغیرهای اقتصادی همچون تورم، بیکاری، سرمایه‌گذاری، رشد اقتصادی و... تأثیر گذار باشد. از طرف دیگر، فساد نیز از عوامل متعددی

تأثیر می‌پذیرد که شناخت و بررسی‌شان به منظور کنترل و جلوگیری مهم جلوه می‌نماید. از آنجا که فساد یکی از مهم‌ترین موانع پیشرفت و رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه شمرده می‌شود، لزوم ریشه‌یابی و برخورد با این پدیده بیش از پیش احساس می‌شود؛ بدین منظور مقاله حاضر در پنج بخش مجزا تنظیم شده است. در بخش دوم این مقاله ضمن ارائه تعریف‌ها، علل پیدایش فساد نیز آورده شده است. در بخش سوم، ادبیات موضوع و کارهای انجام‌شده قبلی آورده شده است. در بخش چهارم، پس از بررسی آماری داده‌ها، مدل نیز ارائه شده است و سرانجام در بخش پایانی نتایج حاصل ذکر شده است.

۱. علل پیدایش فساد اقتصادی

قبل از آن که مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر سطح فساد را بررسی کنیم، لازم است تعریفی از این پدیده ارائه دهیم. گرچه فساد به روش‌های متفاوتی تعریف شده است، اما ساده‌ترین و رایج‌ترین آن‌ها تعریف بانک جهانی از فساد است. از دیدگاه بانک جهانی فساد عبارت است از به‌کارگیری امکانات دولتی در جهت منافع شخصی؛ البته گاهی اوقات استفاده از امکانات دولتی لزوماً برای تأمین منافع یک فرد خاص صورت نمی‌گیرد بلکه این امر در جهت تأمین منافع یک حزب، طبقه، طایفه، دوستان و آشنایان، خانواده و مانند این‌ها انجام می‌شود. در حقیقت در بسیاری از کشورها فرآیند فساد در جهت تأمین مالی فعالیت‌های حزب‌های سیاسی صورت می‌گیرد^۱. البته لازم به ذکر است که از این تعریف نمی‌توان استنتاج کرد که در فعالیت‌های بخش خصوصی فساد وجود ندارد، به‌ویژه در تشکیلات بزرگ اقتصادی خصوصی که آشکارا قابل مشاهده است.

گرچه فساد طبق تعریف ذکر شده در ارتباط با فعالیت‌های دولت و خصوصاً انحصارهای دولتی است اما نمی‌توان نتیجه گرفت که برای مبارزه با فساد باید دولت را از بین برد، زیرا همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم فساد در بخش خصوصی هم وجود دارد، به‌خصوص این که وجود یک جامعه پیشرفته و مدرن بدون دولت امکان‌پذیر نیست. بنابر این دولت‌ها باید برای جلوگیری از فساد، روش انجام وظایف خود را بررسی کنند، زیرا اقدامات دولتی‌ای وجود دارد که زمینه مساعدی برای فساد ایجاد می‌کند.

1. Tanzi (1998).

در این بخش به ذکر مهم‌ترین عواملی می‌پردازیم که ممکن است علت پدیده فساد در جوامع مختلف باشد. این عوامل در هفت قسمت جداگانه دسته‌بندی شده که بیش‌تر آن‌ها در ارتباط با دولت‌ها است و در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۱. قوانین و مقررات و مجوزها

در اغلب کشورها، خصوصاً کشورهای در حال توسعه، نقش دولت از طریق وضع و اجرای قوانین نمایان می‌شود؛ به طوری که برای شرکت در هر فعالیت تولیدی و خدماتی نیازی به اخذ انواع گوناگون گواهینامه‌ها، پروانه‌ها و مجوزها است. سرمایه‌گذاری، شرکت در تجارت خارجی، به دست آوردن ارزهای خارجی، ساختن خانه، بازکردن مغازه، رفتن به مسافرت‌های خارج از کشور و... مستلزم اخذ مجوزها و پروانه‌های خاصی است که این مجوزها توسط اداره‌های مختلف صادر می‌شود. وجود چنین قانون و مقرراتی به کارمندانی که این مجوزها را صادر می‌کنند، نوعی قدرت انحصاری می‌دهند. این کارمندان ممکن است از اعطای مجوز خودداری کنند و یا ماه‌ها و حتی سال‌ها اعطای آن را به تعویق اندازند. بنابر این، آن‌ها از قدرت دولتی خودشان برای گرفتن رشوه از افراد نیازمند به این جوازها و موافقتنامه‌ها، استفاده می‌کنند.

بنابر این، سخت‌گیری کارمندان در اعطای مجوزها و دیوان‌سالاری متمرکز، شهروندان را وادار می‌دارد تا با پرداخت رشوه، در زمان کوتاهی این مجوزها را به دست آورند؛ البته لازم به ذکر است گاهی اوقات این قوانین و مقررات برای جلوگیری از مضرات اجتماعی فعالیت‌های اقتصادی وضع می‌شود؛ برای مثال، قوانین مربوط به محیط‌زیست که برای حفظ محیط وضع شده است، در چنین مواردی اگرچه جامعه سخت‌گیری را می‌پذیرد اما باز هم این قوانین به کارهای فسادگونه در جامعه منجر می‌شود. در واقع، اگر زمینه فساد در جامعه مهیا باشد این قوانین به راحتی زیر پا گذاشته شده و کارایی خود را از دست می‌دهد!

۱-۲. مالیات

سیستم مالیاتی‌ای که قوانین آن روشن و شفاف باشد و به مذاکره میان مالیات‌دهندگان و

ارزیابان مالیاتی نیازی نداشته باشد، اغلب فساد کم‌تری در جامعه ایجاد می‌کند؛ اما هنگامی که فهم قوانین مالیاتی بسیار دشوار باشد و آن را به‌سختی بتوان تفسیر کرد مالیات‌دهندگان و ارزیابان مالیات به‌نوعی با هم به چانه‌زنی می‌پردازند و اغلب پرداخت رشوه توسط مالیات‌دهندگان به آن‌ها اجازه می‌دهد مالیات کم‌تری پرداخت کنند و یا به‌طور کلی از زیر بار آن فرار کنند. وقتی سطح حقوق ارزیابان مالیاتی پایین باشد این موضوع رایج‌تر خواهد بود!

۱-۳. مخارج دولت برای پروژه‌های سرمایه‌گذاری

به‌علت قدرت تصمیم‌گیری برخی کارمندان رده بالای دولتی در اعطای پروژه‌های سرمایه‌گذاری عمومی، این نوع مخارج دولتی هم از لحاظ مقدار و هم از لحاظ ترکیب می‌تواند به‌وسیله فساد تحریف شود. خصوصاً وقتی اجرای پروژه‌های دولتی برای برخی اشخاص یا گروه‌های سیاسی فرصتی به‌وجود می‌آورد تا از کسانی که برای اجرای این پروژه‌ها انتخاب شده‌اند کمیسیون دریافت کنند. این موضوع بهره‌وری چنین مخارجی را کاهش داده و باعث می‌شود که واقعیت‌های عینی و معیارهایی مانند تحلیل هزینه فایده در انتخاب طرح‌های سرمایه‌گذاری مدنظر قرار نگیرد!

۱-۴. تهیه کالاها و خدمات در قیمت‌هایی پایین‌تر از قیمت بازار

در برخی کشورها، دولت به دلایل اجتماعی و سیاسی به تهیه کالا و خدمات زیر قیمت بازاری آن‌ها اقدام می‌کند. برای مثال، ارزهای خارجی، برق، آب، خانه‌های دولتی، برخی از کالاهای کوپنی، دستیابی به امکانات آموزشی و بهداشتی، دستیابی به زمین‌های عمومی و مانند این‌ها از جمله مواردی است که دولت‌ها در کشورهای مختلف با قیمت‌هایی زیر قیمت بازار تهیه می‌کنند. البته برخی مواقع به‌علت عرضه محدود، جیره‌بندی این نوع کالاها و خدمات اجتناب‌ناپذیر است. لذا این امر انگیزه‌هایی به‌وجود می‌آورد تا افراد یا گروه‌هایی سعی کنند با پرداخت رشوه به کارمندان، سهم ناعادلانه‌ای از این کالاها و خدمات به‌دست

1. Tanzi (1998).

2. Tanzi & Dovoadi (1997).

آورند و بدین ترتیب خود را منتفع کنند^۱.

۱-۵. سرمایه اجتماعی^۲

سرمایه اجتماعی به طور کلی شامل نهادها، روابط، گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که بر رفتارها و تعاملات بین افراد حاکم است^۳. جیمز کلمن^۴ که سهم مهمی در ارائه تعریف مدون از این مفهوم دارد، سرمایه اجتماعی را توان مردم برای همکاری با یکدیگر جهت نیل به اهداف مشترک بیان می‌کند.

فساد و سرمایه اجتماعی دو سر یک طیف را تشکیل می‌دهند. سرمایه اجتماعی و فساد بر دو نگاه متفاوت از طبیعت انسان استوارند. اولی بر نگاه خوش‌بینانه از جهان بنا می‌شود و دومی بر نگاهی کاملاً متناقض با آن. هرچند برای فساد هم نوعی سرمایه اجتماعی مورد نیاز است. فساد پدیده‌ای نظام‌مند است که اجرای صحیح آن، مستلزم وجود نوعی سرمایه اجتماعی در میان هم‌دستان است. وجود چنین پیچیدگی‌هایی است که برخی صاحب‌نظران مانند فوکویاما (۱۹۹۵) کار سنجش سرمایه اجتماعی را نیازمند دقت فراوان می‌دانند؛ چراکه گروه مفسدان و دزدان هم برای پیشبرد کار خود نیازمند اعتماد و عمل به هنجارهای درون‌گروهی خود هستند.

اعتماد به‌عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی یک حس عاطفی است که باعث می‌شود آن را با دیگران به اشتراک بگذاریم. فساد، بیانی دیگر از خودخواهی است. برای سرمایه اجتماعی از زمان و پول خود می‌زنیم، اما فساد باعث می‌شود آن‌چه به دیگران تعلق دارد از ایشان ستانده شود. سرمایه اجتماعی و اعتماد بر پایه بازبودن و قبول دیگران، همان‌طور که هستند بنا می‌شود، نه آن‌طور که ما می‌خواهیم. شفافیت، دشمن فساد است. به‌طور شهودی می‌توان یک رابطه قوی میان سرمایه اجتماعی و فساد در سطح ملی متصور شد: کشورهایی که مردمانشان صداقت بیش‌تری دارند، فساد کم‌تری را تجربه می‌کنند^۵. جوامع با اعتماد بیش‌تر و در نتیجه فساد کم‌تر از حکمرانی بهتر و رشد اقتصادی قوی‌تری

1. Mauro (1997).

2. Social Capital.

3. Grootaert and Van-Bastelaert (2002).

4. Coleman (1988).

5. Grootaert (1998) & Bjørnskov (2003).

برخوردارند و به توزیع مجدد، بهای بیش‌تری می‌دهند، همچنین شهروندان آن احترام بیش‌تری برای قانون قائل‌اند. سوندسن^۱ در مطالعه خود، عنوان می‌کند که سرمایه اجتماعی عامل تعیین‌کننده فساد است. او علت را چنین عنوان می‌کند که اگر اعتماد مردم به دیگران و دولت از دست برود در نتیجه فساد رو به فزونی می‌گذارد.

۱-۶. سطح دستمزدها در بخش دولتی

ارتباط میان سطح دستمزد و شاخص فساد به‌طور تجربی توسط ریچکم و ودر^۲ بررسی شده است. به عقیده آن‌ها اگرچه افزایش سطح دستمزدها، سطح فساد را کاهش می‌دهد اما مقدار این افزایش برای کاهش فساد تا یک سطح حداقل باید بسیار زیاد باشد. به عبارت دیگر مبارزه علیه فساد انحصاراً از طریق بالا بردن دستمزدهای بخش دولتی برای بودجه یک کشور بسیار گران تمام می‌شود. برای مثال آسار لیندبک^۳ فساد پایین در کشور سوئد را به دستمزدهای بالای کارمندان نسبت می‌دهد. این در حالی است که دستمزدهای کارمندان در این کشور ۱۲ تا ۱۵ برابر متوسط حقوق کارگران در بخش صنعتی است. البته در دستمزدها بالا هم عده‌ای از افراد ممکن است به در کارهای فسادگونه مشارکت کنند؛ به عبارت دیگر، گرچه افزایش دستمزدها میزان فساد را کاهش می‌دهد اما ممکن است منجر به رشوه‌های بالاتری شود. دلیل این موضوع آن است که دستمزدهای بالا هزینه فرصت ازدست‌دادن شغل فرد را افزایش می‌دهد. بنابر این، افزایش دستمزدهای دولتی گرچه تعداد کارهای فسادگونه را کاهش می‌دهد اما لزوماً حجم پول‌های مطالبه‌شده از طریق فساد را پایین نمی‌آورد.^۴

۱-۷. سیستم قضایی

از لحاظ تئوری، فساد می‌تواند در اثر افزایش مجازات کسانی که دست به کارهای فسادگونه می‌زنند کاهش یابد. این تحلیل اشاره می‌کند که ساختار قضایی موجود در یک کشور مهم‌ترین عامل تعیین‌میزان فساد در آن کشور است؛ اما همانند مورد قبل، و به لحاظ

1. Svendsen (2003).

2. Von Rijckeghm & Weder (1997).

3. Assar Lindbeck (1998).

4. Tanzi (1998).

تئوریک این موضوع ممکن است تنها تعداد کارهایی که به فساد منجر می‌شود را کاهش دهد و به جای آن باعث مطالبه مبالغ بیش تر رشوه شود. به علاوه ممکن است قاضی‌هایی که مجازات‌ها را تعیین می‌کنند خودشان نیز درگیر فساد باشند. بنابر این، وقتی خود آن‌ها در معرض اتهام قرار می‌گیرند بر سر راه این فرآیند مانع می‌گذارند. در نتیجه چنین عواملی واقعاً در بسیاری کشورها نقش مجازات‌ها را کم رنگ می‌کند، خصوصاً وقتی انگیزه‌های سیاسی وجود دارد (تانزی، ۱۹۸۸).

۱-۸. منابع طبیعی خدادادی (مانند نفت، طلا، آهن و...)

زمینه فساد در کشورهایی که ذخایر عظیم مواد خام دارند مساعدتر است. زیرا چنین منابعی برای کارمندان فرصت‌هایی ایجاد می‌کند تا از رانت‌های مربوط به این منابع بهره‌برداری کنند. آثار این رفتار ممکن است به سایر بخش‌های جامعه منتقل شود. علت وجود رانت در این موارد، هزینه‌های نسبتاً پایین استخراج این منابع طبیعی در مقابل قیمت‌های فروش نسبتاً بالای آن‌ها در بازار است. همچنین، فعالیت در چنین بخش‌هایی اغلب تحت قوانین بسیار سخت دولتی است؛ بنابر این، رفتارهای رانت‌جویانه در این کشورها منجر به افزایش فساد در این بخش‌ها و سرایت آن به بخش‌های دیگر می‌شود!

۲. ادبیات موضوع

به نظر می‌رسد از مدت‌ها قبل تحقیق در زمینه‌ی فساد از دیدگاه سیاسی آغاز شده است. اما وارد شدن فساد در تحقیقات اقتصادی به کم‌تر از دو دهه قبل برمی‌گردد که آمارهای سالیانه قابل‌اتکایی برای کشورهای مختلف نیز ارائه شده است. از طرف دیگر، اکثر کارهای تئوری و تجربی انجام‌شده در ارتباط با فساد نشانگر اثر مخرب فساد بر توسعه اقتصادی است. برای مثال افرادی مانند میدال^۲ (۱۹۸۹)، ماورو^۳ (۱۹۹۵)، تانزی (۱۹۹۷) نشان داده‌اند که فساد به رشد اقتصادی آسیب می‌رساند. به عقیده آن‌ها، فساد اهداف دولت و ترکیب مخارج دولتی را تغییر داده و مسیر تخصیص منابع را به سمتی سوق می‌دهد که به

1. Ades & Di tella (1999).

2. Mydal (1989).

3. Mauro (1994).

زیان هنگفت جامعه ختم می‌شود. به علاوه، فساد از طریق افزایش هزینه‌های اداری عمومی موجب دلسردی سرمایه‌گذاری خصوصی می‌شود.

اسمارزینسکا و وی (۲۰۰۰)^۱ بیان می‌کنند که اختلاف سطح فساد در میان کشورها به همان میزان اختلاف در هزینه‌های نیروی کار یا نرخ مالیات بر شرکت‌ها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی (FDI) مؤثر است. به طوری که هر چه سطح فساد در کشور میزبان بیش‌تر باشد احتمال سرمایه‌گذاری خارجی در آن کشور پایین‌تر است.

همچنین هوانگ و وی^۲ (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که به‌طور کلی در کشورهایی که سطح فسادشان بالا است، مقدار بهینه تورم^۳ بسیار بالاتر از مقداری است که در کشورها با سطح پایین فساد دنبال می‌شود. بنابر این، مقدار تورم ۱ تا ۴ درصد که در کشورهای صنعتی رایج است، عموماً هدفی نیست که توسط کشورهای در حال توسعه که فساد در آن‌ها گسترده است، دنبال شود. به اعتقاد آن‌ها نرخ ارز ثابت که اغلب به‌عنوان ابزار دولت در پایین نگه داشتن تورم تجویز می‌شود در کشورهایی با سطح بالای فساد با شکست مواجه می‌شود؛ البته کارهای تئوری اندکی هم وجود دارد که بیانگر آثار مثبت فساد در بهبود کارایی و افزایش رشد اقتصادی است.

لف^۴ (۲۰۰۴) اشاره می‌کند که فساد به کارهای مفید اقتصادی که در اثر سیاست‌های غلط و دیوان‌سالاری انعطاف‌ناپذیر محدود می‌شود، کمک می‌کند. به اعتقاد هانتینگتون^۵ (۱۹۶۸) تنها چیزی که برای رشد اقتصادی می‌تواند مضر باشد جامعه‌ای با دیوان‌سالاری بیش از حد متمرکز و انعطاف‌پذیر است. بنابر این در چنین جوامعی رفتار بهینه افراد ایجاب می‌کند تا در تصمیم‌های اقتصادی روزانه خود، برای رهایی از قوانین دست‌وپاگیر دولتی دست به کارهایی بزنند که به فساد در جامعه منجر می‌شود.

همچنین به نظر می‌رسد که اقتصاد برنامه‌ریزی شده و دخالت گسترده‌ی دولت در کارها، زمینه فساد را هموارتر می‌کند. تشریفات سنگین و پیچیده اداری، به نفع دیوان‌سالاران و کارمندان دولت بوده و موقعیت چانه‌زنی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. همان‌طور که در کشورهای کمونیستی شرق اروپا دیدیم، در این دست نظام‌ها، کارمندان دولت از چنان

1. Smarzynska, wei (2000).

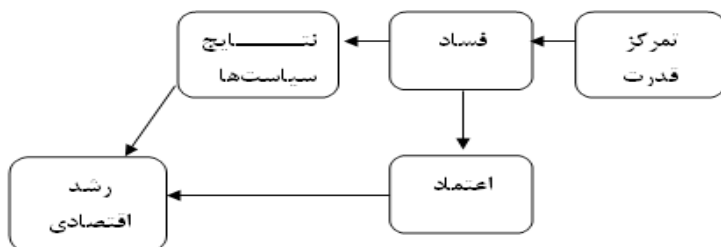
2. Huang & Wei (2003).

3. The Optimal Inflation Target.

4. Leff (2004).

5. Huntington (1968).

قدرتی بهره‌مند هستند که می‌توانند شخصاً نتیجه هر مسأله‌ای را تعیین کنند. این قدرت انحصاری، سرمنشأ فساد و ارتشاء خواهد شد.



منبع: سوندسن (۲۰۰۳).

نمودار ۱- تمرکز قدرت، فساد و رشد اقتصادی

به‌طور ساده، آنچه مدنظر ماست این است که در آن نظام سیاسی که قدرت متمرکز است - یعنی دولت - اندازه بزرگ‌تری دارد، بنابراین، ابتدا فساد بیش‌تر می‌شود و بعد اعتماد پایین می‌آید. به‌طور کلی، این دو عامل باعث ایجاد تورش و اختلال در نتایج سیاست‌ها می‌شود که فضای تجاری را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اقتصاد را دچار افت می‌کند. به این ترتیب، نظام‌های سیاسی که از تمرکز قدرت بالایی دارند، مانند آنچه قبل از سال ۱۹۸۹ در کشورهای اروپای شرقی می‌دیدیم، بیش‌تر در معرض کاهش اعتمادند؛ این در حالی است که نظام‌های سیاسی‌ای که تمرکز زدایی کرده‌اند - مانند کشورهای اروپای غربی - کم‌تر در معرض کاهش اعتمادند و نرخ رشد بالاتری دارند.

سرمایه اجتماعی پیامدهای مثبت زیادی در پی دارد و فساد، پیامدهای منفی بسیاری. فساد اقتصاد را ویران کرده و منابع را از دسترس عموم خارج و مختص خواص می‌کند؛ به‌طور کلی از فقرا می‌گیرد و به ثروتمندان می‌دهد. فساد مثل یک مالیات مضاعف بر شهروندان می‌ماند که باعث می‌شود منابع کم‌تری برای مخارج عمومی باقی بماند. کارمندان دولت در جامعه فسادانگیز بیش‌تر وقت خود را صرف پرکردن جیب‌شان می‌کنند تا خدمت به عموم. لذا چنین محیطی به دولت ناکارآمد منجر می‌شود. همچنین در این محیط پرداخت رشوه به سیاستمداران از طرف بازرگانان برای وضع قوانین سخت برای ورود خارجی‌ها به

بازار داخلی بسیار مرسوم است. در نتیجه، فساد بازارها را می‌بندد. از هر منظری، فساد برای اقتصاد مضر است و وجوه را از مصارف عمومی به عواید خصوصی می‌کشاند و از رشد اقتصادی می‌کاهد. در عوض، سرمایه اجتماعی رشد اقتصادی را سرعت می‌بخشد. به عنوان یک آرمان، با توجه به این که انسان‌های متفاوت با ما، اعضای جامعه اخلاقی خودمان هستند، سرمایه اجتماعی باعث می‌شود که برای معامله با آن‌هایی که با ما متفاوتند، انگیزه داشته باشیم. همه‌ی این‌ها به معنای گشوده شدن بازارهای جدید است. جوامعی با سرمایه اجتماعی بالا، پول بیشتری برای برنامه‌های اجتماعی صرف می‌کنند، دولت‌های کارآمدتری دارند، و اقتصاد بازتری را تجربه کرده‌اند، در نتیجه از میزان جرم و جنایت کم‌تری رنج می‌برند و پذیرای نرخ رشد اقتصادی بالاتری هستند.^۱

اما برخی شواهد تجربی از ارتباط منفی میان نرخ رشد اقتصادی و فساد حمایت نکرده است، در واقع، نشان می‌دهند که وقتی تعداد فسادهای کارمندان پایین باشد پرداخت رشوه از طرف سرمایه‌گذار اجازه می‌دهد تا قوانین با هزینه نسبتاً پایین دور بزنند. پس معقول به نظر می‌رسد که فساد چرخ‌های حرکت اقتصادی را روغن کاری کند و با افزایش فعالیت‌های اقتصادی منجر به رشد اقتصادی شود. کارمندان با گسترده‌تر شدن فساد، قدرت چانه‌زنی به دست می‌آورند و رشوه‌ها گران‌تر شده و اغلب به ایجاد مزاحمت‌های اداری در امر سرمایه‌گذاری و تولید رشوه منجر شده و در نهایت از رشد اقتصادی ممانعت می‌کند.

به دنبال بررسی آثار منفی فساد بر رشد اقتصادی، ادبیات وسیعی نیز به بررسی عوامل مؤثر بر سطح فساد در کشورها پرداخته است. برای مثال ادز دیتلا^۲ (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که در کشورهایی که بنگاه‌های داخلی‌شان حمایت شده‌اند، فساد بیش‌تر است. ملکوپ و گراف^۳ (۲۰۰۳)، ارتباط میان آزادی اقتصادی کشور و سطح فساد آن را نشان داده‌اند. به اعتقاد ودر و پرونتی^۴ (۲۰۰۳)، آزادی مطبوعات با سطح فساد ارتباط منفی دارد. ودر و وم ریکگمن^۵ (۲۰۰۱)، نشان دادند که نرخ بالاتر دستمزدهای دولتی نسبت به دستمزدهای بخش خصوصی، فساد کم‌تری در کشور ایجاد می‌کند.

1. Uslaner, Eric (2004).

2. DiTella, Ades (1999).

3. Mehlkop & Graeff (2003).

4. Weder & Brunetti (2003).

5. Weder & vom Rijckeghem (2001).

امانوئل انورو و هابتو براها^۱ (۲۰۰۵) در مدل پیشنهادی خود اثرات مستقیم و غیرمستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی را بررسی کرده‌اند. معادله (۱) بیانگر اثر مستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی است و دو معادله (۲) و (۳) نشان‌دهنده اثرات غیرمستقیم فساد اقتصادی بر رشد اقتصادی است. این اثرات غیرمستقیم شامل اثر فساد اقتصادی بر متغیرهای سرمایه‌گذاری و رشد جمعیت است که این متغیرها در معادله اول نیز آورده شده و اثر مستقیم آن‌ها بر رشد اقتصادی ذکر شده است. عوامل مؤثر بر نرخ رشد اقتصادی در معادله اول شامل سرمایه، نرخ رشد جمعیت، فساد اقتصادی و درآمد ملی در سال پایه است. اما دو معادله دیگر اثرات غیرمستقیم فساد و عوامل دیگر را بر متغیرهای سرمایه و رشد جمعیت بررسی می‌کنند.

در این معادلات EG رشد اقتصادی، COR فساد اقتصادی، K سرمایه (که در اینجا از سرمایه‌گذاری به‌عنوان جانشین استفاده شده است)، PG رشد جمعیت و Y درآمد ملی در سال پایه است.

$$EG_t = a_0 + a_1 COR_t + a_2 K_t + a_3 PG_t + a_4 Y_t + e_t \quad (1)$$

$$K_t = a_0 + a_1 COR_t + a_2 EG_t + a_3 PG_t + e_t \quad (2)$$

$$PG_t = a_0 + a_1 COR_t + a_2 EG_t + a_3 K_t + e_t \quad (3)$$

۳. بررسی آماری داده‌ها و ارائه مدل

مهم‌ترین داده‌های استفاده‌شده در پژوهش حاضر عبارتند از: شاخص فساد (CPI)، شاخص درجه بازی اقتصاد (OS)، اندازه دولت (G) و رشد اقتصادی (EG). رشد اقتصادی کشورهای منتخب مورد بررسی از نرم‌افزار بانک جهانی (WDI) استخراج شده که عبارت است از رشد سالانه تولید ناخالص داخلی کشورها به قیمت ثابت. شاخص اندازه دولت نیز از میانگین سهم مصرف دولتی، سهم سوبسیدها از GDP و سهم سرمایه‌گذاری دولتی استخراج می‌شود که بین صفر تا ۱۰ است و در جدول (۲) برای ۳۰ کشور منتخب آورده شده است. اما شاخص CPI که توسط سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی محاسبه می‌شود و کشورها را براساس آن رتبه‌بندی

1. Emmanuel Anoruo and Habtu Braha (2005).

می‌کند بیانگر میزان فساد اداری و سیاسی دولت‌های مختلف و ارائه‌دهنده دید تجاری به مردم و کارشناسان نسبت به دنیای اطراف‌شان است. این شاخص میزان فساد در کشورها را بین عدد صفر تا ۱۰ درجه‌بندی می‌کند که امتیاز صفر به معنای بیش‌ترین و ۱۰ به معنای کم‌ترین فساد است. این گزارش به صورت سالانه ارائه شده و هر ساله تعدادی از کشورها به آن اضافه می‌شوند که در سال ۲۰۰۸ به ۱۸۰ کشور رسیده است. باید توجه داشت که روند تاریخی این شاخص را باید براساس مقدار آن و نه رتبه کشورها با یکدیگر مقایسه کرد. براساس گزارش سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی در سال ۲۰۰۸، از بین این کشورها، دانمارک، نیوزیلند و سوئد با شاخص فساد ۹/۳، سنگاپور و فنلاند با شاخص ۹/۲ و ۹/۰ کم‌ترین میزان فساد اقتصادی را داشته‌اند. پس از آن، کشورهای سوئیس، ایسلند، استرالیا و کانادا به ترتیب چهارمین تا نهمین کشورهای جهان هستند. این گزارش حاکی از آن است که ایران در شاخص فساد مسئولان دولتی و سیاسی رتبه ۱۴۱ را کسب کرده که این میزان در مقایسه با رتبه ۸۸ ام این کشور در سال ۲۰۰۴، و ۹۳ ام در سال ۲۰۰۵ نشانگر تنزل پنجاه پله‌ای است. در این گزارش، ایران از ۱۰ نمره ۲/۳ را کسب کرده است که در مقایسه با سال‌های گذشته کم‌تر شده و دامنه تغییر نمره فساد اقتصادی ایران بین ۲/۳ تا ۳/۳ اعلام شده است. در این گزارش کشورهای سومالی، میانمار، عراق، هائیتی و افغانستان با شاخصی کم‌تر از ۱/۵ به عنوان پنج کشوری که بالاترین فساد را در سال ۲۰۰۸ داشته‌اند گزارش شده است.

جدول ۱- شاخص درجه بازی اقتصاد و فاکتورهای تشکیل‌دهنده آن در ایران

شاخص	۱۹۸۰	۱۹۸۵	۱۹۹۰	۱۹۹۵	۲۰۰۰	۲۰۰۵	۲۰۰۷	۲۰۰۸
اندازه دولت	۳/۴۲	۴/۳۳	۵/۰۶	۵/۳۵	۴/۹۲	۶/۳۲	۶/۳۹	۶/۲۷
ساختار قانون و حقوق مالکیت	۱/۷۶	۲/۲۶	۲/۲	۵/۶	۵/۹۱	۶/۱۱	۶/۰۹	۶/۱۲
پول پر قدرت	۶/۹	۸/۱	۸/۹۹	۳/۸۷	۸	۸/۰۶	۸/۰۹	۷/۷۳
آزادی تجارت خارجی	۳/۰۳	۲/۳	۴	۴	۵/۸۸	۵/۷۴	۵/۰۶	۵/۰۳
مقررات بازار کار و تجارت	۳/۸۲	۳/۳۵	۳/۶۲	۳/۶۸	۴/۰۸	۵/۱۶	۴/۹۸	۵/۱
شاخص خلاصه شده آزادی	۳/۷۵	۴/۰۷	۴/۷۷	۴/۵	۵/۷۶	۶/۳	۶/۱۵	۶/۰۸

منبع: انیستیتو فریزر (۲۰۱۰)؛ گزارش سالانه آزادی اقتصادی در جهان.

انستیتو فریزر^۱ که شامل ۶۸ انیستیتو در ۶۸ کشور است شاخص درجه بازی اقتصاد را برای بیش از ۱۴۰ کشور دنیا منتشر می‌کند. این شاخص که بین ۰ تا ۱۰ است از شاخص‌هایی همچون ساختار قانون در کشورها، تجارت بین‌الملل، پول قوی، سهم دولت‌ها و مقررات آن کشور استخراج می‌شود و شامل استقلال و بی‌طرفی نظام قضایی، حقوق مالکیت، نرخ رشد پول، آزادی شهروندان، درآمدهای مالیاتی بین‌المللی، نرخ تعرفه‌ها، نسبت سرمایه شهروندان داخلی در خارج به ثروت خارجی‌ها در داخل، رقابت در بانک‌ها، کنترل نرخ بهره، بیمه‌های بیکاری، مقررات تجاری، کنترل قیمت‌ها، مقررات بازار کار و... است.^۲ در سال ۲۰۰۸ هنگ‌کنگ با داشتن شاخص ۹/۰۵ بین ۱۴۱ کشور مورد بررسی دارای بهترین مقدار درجه بازی اقتصاد است و کشورهای سنگاپور، نیوزیلند، سوئیس، ایالات متحده، کانادا، استرالیا و انگلستان در رده‌های بعدی قرار دارند. در این رده‌بندی ایران با داشتن شاخص ۶/۱ در جایگاه ۱۰۷م در بین ۱۴۱ کشور قرار دارد. در انتهای این رده‌بندی نیز زیمبابوه، میانمار، آنگولا و ونزوئلا با شاخص‌های ۳/۵۷، ۳/۸۱، ۳/۸۹ و ۴/۳۳ قرار دارند. در جدول (۱) شاخص درجه بازی اقتصاد و فاکتورهای تشکیل‌دهنده آن برای ایران در سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۸ آورده شده است که نشانگر بهبود این شاخص تا سال‌های ۲۰۰۵ و کاهش آن در سال‌های کنونی است. وضعیت آزادی تجارت خارجی و مقررات بازار کار در بین شاخص‌های مورد بررسی همواره وضعیت بدتری داشته است. همچنین در جدول (۲) شاخص‌های مهم مورد تحلیل در مقاله حاضر از جمله شاخص فساد، درجه بازی، رشد اقتصادی و اندازه دولت در ۳۰ کشور منتخب در سال ۲۰۰۸ آورده شده است. برای بررسی آماری رابطه بین درجه بازی اقتصاد و شاخص فساد اقتصادی، داده‌های مربوط به کشورهای منتخب در سال ۲۰۰۸ در نمودار (۲) آورده شده است. محور عمودی، شاخص درجه بازی و محور افقی نشانگر شاخص CPI است. همان‌طور که در این نمودار دیده می‌شود بین آن‌ها رابطه مستقیمی برقرار است؛ یعنی هرچه کشورها درجه بازی بالایی داشته باشند از نظر فساد اقتصادی نیز سالم‌ترند. خط روند بین این دو شاخص نیز بیانگر همین موضوع است.

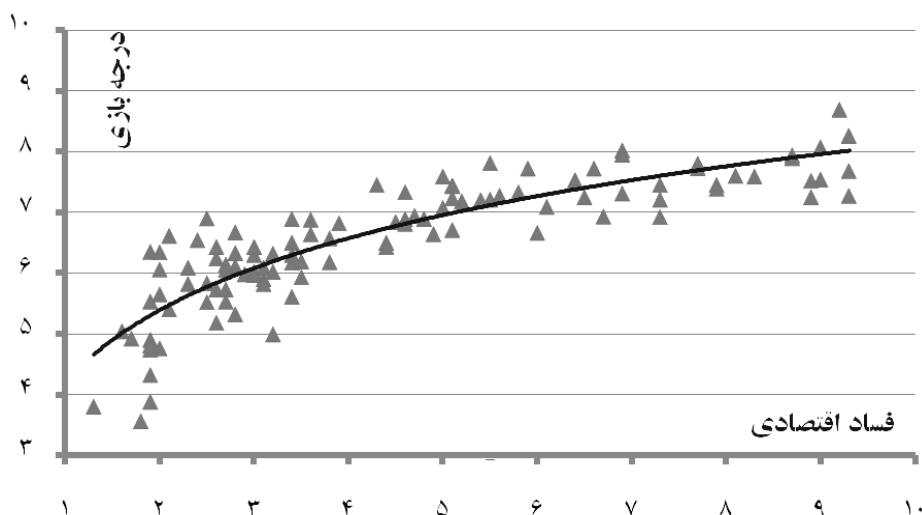
1. Fraser Institute.

2. Economic Freedom of the World, Annual Report (2005); Copyright ©2005 by The Fraser Institute.

جدول ۲- شاخص CPI، اندازه دولت، رشد اقتصادی و درجه بازی اقتصاد
برای کشورهای منتخب (۲۰۰۸)

کشور	فساد اقتصادی	درجه بازی	اندازه دولت	رشد اقتصادی
آرژانتین	۲/۹	۵/۹۹	۶/۳۷	۶/۸
استرالیا	۸/۷	۷/۹	۶/۸	۳/۷
اتریش	۸/۱	۷/۶۱	۵/۱۴	۲/۲
بحرین	۵/۴	۷/۲۱	۸/۲۴	۶/۳
بلژیک	۷/۳	۷/۲۲	۴/۲	۱
کانادا	۸/۷	۷/۹۵	۶/۵۴	۰/۵
چین	۳/۶	۶/۶۵	۴/۵۱	۹/۶
دانمارک	۹/۳	۷/۶۹	۴/۵	-۰/۹
مصر	۲/۸	۶/۶۸	۷/۲۱	۷/۲
فنلاند	۹	۷/۵۵	۵/۰۳	۰/۹
فرانسه	۶/۹	۷/۳۲	۵/۴۳	۰/۲
آلمانی	۷/۹	۷/۴۶	۵/۶۴	۱
هند	۳/۴	۶/۵۱	۶/۸۴	۵/۱
ایران	۲/۳	۶/۱	۶/۲۷	۲/۳
ایتالیا	۴/۸	۶/۹	۵/۷۱	-۱/۳
ژاپن	۷/۳	۷/۴۶	۶/۱۸	-۱/۲
کره جنوبی	۵/۶	۷/۲۸	۶/۶۱	۲/۳
مالزی	۵/۱	۶/۷۲	۵/۹۵	۴/۷
مکزیک	۳/۶	۶/۸۹	۷/۱۷	۱/۵
هلند	۸/۹	۷/۵۳	۴/۰۹	۲
پاکستان	۲/۵	۵/۸۴	۷/۷۱	۱/۶
سنگاپور	۹/۲	۸/۷	۸/۱۷	۱/۸
اسپانیا	۶/۵	۷/۲۶	۶/۴۸	۰/۹
سوئد	۹/۳	۷/۲۸	۳/۶۱	-۰/۴
سوئیس	۹	۸/۰۸	۷/۸۱	۱/۹
سوریه	۲/۱	۵/۴۱	۵/۴۳	۵/۲
ترکیه	۴/۶	۶/۸۲	۷/۴۴	۰/۷
امارات	۵/۹	۷/۷۳	۷/۱۲	۵/۱
انگلستان	۷/۷	۷/۸۱	۶/۰۲	۰/۵
امریکا	۶/۹	۷/۹۶	۷/۱۳	۰

منبع: سازمان بین‌المللی شفافیت، بانک جهانی، انیستیتو فریزر.



منبع: سازمان بین‌المللی شفافیت و انیسیتو فریزر.

نمودار ۲- بررسی رابطه شاخص CPI و درجه بازی اقتصاد برای ۱۰۶ کشور منتخب در سال ۲۰۰۸

اکنون پس از بررسی ادبیات موضوع و بررسی آماری، در این بخش آن مفاهیم به صورت کمی ارائه شده است. در مقاله حاضر، برای بررسی اثرات متقابل تمرکز قدرت با سایر متغیرهای مورد بررسی، با الهام از معادله امانوئل انرو و هابتو براهو و با اضافه کردن اندازه دولت و درجه بازی، سه معادله زیر ارائه شده است. نهادگرایان معتقدند که آن بخش از رشد اقتصادی که توسط پیشرفت تکنولوژی قابل شرح نیست، می‌تواند به عوامل نهادی از جمله حقوق مالکیت، حاکمیت قانون و... نسبت داد. معادله (۴) نیز که در حقیقت از اثر عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) بر رشد اقتصادی تشکیل شده شامل اثر مستقیم تأثیرگذاری عامل نهادی محدودکننده رشد اقتصادی و فساد نیز است؛ چرا که از فساد به‌عنوان متغیر منفی سرمایه اجتماعی نام برده می‌شود. در این معادله، L نیروی کار، K سرمایه، COR فساد و EG رشد اقتصادی است. اما باید عنوان داشت که قوانین و مقررات کشورها و نیز نحوه اجرای آن‌ها می‌تواند به ایجاد امنیت برای صاحبان دارایی‌ها منجر شود

و بر رفتار سرمایه‌گذاری‌هایشان و در نتیجه موجودی سرمایه نقش مثبتی داشته باشد. این اثر (درجه بازی بر سرمایه) به همراه اثر غیرمستقیم تأثیرگذاری فساد که از طریق محدودسازی سرمایه‌گذاری است در معادله (۵) بیان شده است. از سوی دیگر، به‌منظور لحاظ کردن عوامل تعیین‌کننده فساد، همان‌طور که در ادبیات موضوع عنوان شد، تمرکز قدرت، سطح فساد را افزایش می‌دهد، پس انتظار می‌رود که دولت متمرکز و متورم، باعث افزایش سطح فساد شود. همچنین هرچه اقتصاد، آزادی بالاتری داشته باشد، یعنی از شفافیت در قوانین و حقوق مالکیت قوی و نیز روابط تجاری بیش‌تر و ساختارهای قانونی برخوردار باشد، انتظار کاهش فساد نیز از آن منتظر خواهد شد که این دو موضوع در معادله (۶) منعکس شده است. G اندازه دولت و OS درجه بازی است.

$$EG_i = a_{11} + a_{12}COR_i + a_{13}K_i + a_{14}L_i + e_{1i} \quad (۴)$$

$$K_i = a_{21} + a_{22}COR_i + a_{23}L_i + a_{24}OS_i + e_{2i} \quad (۵)$$

$$COR_i = a_{31} + a_{32}G_i + a_{33}OS_i + e_{3i} \quad (۶)$$

معادلات دستگاہ بالا کاملاً مشخص بوده و نتایج حاصل از برآورد این سیستم معادلات همزمان به‌طور خلاصه در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳- نتایج تخمین سیستم معادلات همزمان

D.W	R2	متغیرهای مستقل					متغیر وابسته	معادله
		G	OS	L	K	COR		
۱/۹۳	۰/۷۶	-	-	۰/۷۳ (۳/۴۵)	۰/۲۸ (۲/۸۸)	۰/۱۲ (۲/۰۸)	EG	۴
۲/۱۶	۰/۹۲	-	۱/۹۰ (۳/۰۲)	۰/۴۷ (۴/۰۸)	-	۰/۲ (۲/۴۶)	K	۵
۱/۹۷	۰/۸۸	-۴/۳ (-۳/۹۶)	۹/۶۰ (۷/۳)	-	-	-	COR	۶

نتایج تخمین این معادلات بیانگر آن است که رابطه بین شاخص فساد و رشد اقتصادی یک رابطه مستقیم است، یعنی بهبود وضعیت کشورها از نظر فساد که همراه با افزایش این شاخص است، به افزایش رشد اقتصادی می‌انجامد. نتایج دیگر در معادله (۴) نیز طبق

انتظار است. همچنین در معادله (۵) نیز اثر غیرمستقیم فساد حکایت از آن دارد که افزایش فساد عامل محدودکننده سرمایه‌گذاری است و بالعکس. همچنین سرمایه و درجه بازی در این معادله همسوی یکدیگر حرکت می‌کنند که مطابق انتظار است؛ زیرا با بهبود این شاخص انتظار بر این بود که شرایط سرمایه‌گذاری شده بهبود یافته و در نتیجه موجودی سرمایه افزایش می‌یابد.

نتایج حاصل از برآورد معادله نهایی عبارت است از اثر منفی اندازه دولت بر شاخص فساد اقتصادی. این بدان مفهوم است که هرچه دولت‌ها بزرگ‌تر باشند، فساد بیش‌تری دارند و بالعکس هرچه کوچک‌تری باشند، کشور سالم‌تری خواهند بود.

از دیگر نتایج حائز اهمیت در این سیستم معادلات، اثر مثبت درجه بازی اقتصاد بر کاهش فساد اقتصادی و بهبود شاخص CPI است، بدان معنا که هرچه کشور توسعه یافته‌تر باشد و اقتصاد بازتری داشته باشد، از نظر اقتصادی سالم‌تر بوده و فساد کم‌تری دارد. هرچند معادله (۴) ضریب تعیین بسیار بالایی نیست اما باید توجه داشت که تمام ضرایب این مدل تأیید شده بوده و توضیح‌دهنده‌های خوبی هستند.

جمع‌بندی و ملاحظات

هدف از تحقیق حاضر، بررسی علل فساد اقتصادی و عوامل تأثیرگذار و تعیین‌کننده فساد اقتصادی و همچنین تأثیرات فساد بر شاخص‌های کلان اقتصادی از جمله رشد اقتصادی است. در این راستا، این تحقیق در پنج بخش مجزا تنظیم شد، که بعد از ارائه مقدمه، در بخش دوم مهم‌ترین علل و ریشه‌های فساد، قوانین و مقررات، شفاف نبودن سیستم مالیاتی، سوءاستفاده از مخارج دولتی، سطح دستمزدهای دولتی، سیستم قضایی و وجود منابع طبیعی و خدادادی و عوامل نهادی (سرمایه اجتماعی) معرفی شده است. سپس در بخش سوم، مروری بر ادبیات موضوع و کارهای انجام‌شده قبلی داشته است. سرانجام در بخش چهارم پس از بررسی آماری داده‌ها برای ۴۶ کشور منتخب، یک دستگاه معادلات ارائه شد که مهم‌ترین نتایج آن حاکی از اثر محدودکننده فساد اقتصادی به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی و به‌طور غیرمستقیم از طریق محدود کردن موجودی سرمایه بر رشد اقتصادی است. همچنین در این دستگاه معادلات رابطه اندازه دولت و فساد تأیید شده و رابطه به‌نحوی برآورد شد

که نشان می‌دهد در کشورهای با دولت‌های بزرگ‌تر و متمرکز، فساد اقتصادی نیز بیش‌تر است. از طرف دیگر، دستگاه معادلات برآوردشده بیانگر آن است که هرچه کشورها درجه آزادی اقتصادی بالاتری داشته باشند، فساد اقتصادی کم‌تری دارند؛ زیرا از شفافیت در قانون برخوردارند و براساس حاکمیت قانون و حقوق مالکیت، فساد کم‌تر اجازه حضور در فضای اقتصادی آن کشورها پیدا می‌کند.

از مجموع نتایج به‌دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که فساد عمدتاً در رابطه با دولت‌هایی مشکل‌ساز می‌شود که ضمن بزرگ بودن، شاخص درجه بازی مطلوبی ندارند. از آنجا که این دو عامل همان‌طور که در ادبیات موضوع اشاره شد، به ساختار اداری و زیرساخت‌های قضایی و مسائل اجتماعی - فرهنگی و مسائل نهادی جامعه مربوط می‌شود، باید بر حل این موانع همت گمارد. بدین منظور ضمن اصلاح ساختار اداری کشور، باید به اندازه بهینه دولت برای اقتصاد ایران نزدیک شد و رسیدن به دولت بهینه را به‌عنوان یک راهبرد ملی پیگیری کرد. در این زمینه یادآور می‌شود که دو نگرش افراطی دولت حداقلی و دولت حداکثری با وجود مبانی تئوریک کاربرد قابل توجهی در عرصه عمل نداشته و گرایش‌های عمومی به سوی دیدگاه‌های میانه متمایل است. تحولات اقتصادی و اجتماعی دهه اخیر به‌ویژه در کشورهای درحال توسعه نیز نشانگر آن است که نه تنها وجود دولت کارآمد و توسعه‌خواه برای استقرار نهادهای دخیل در امر توسعه لازم است، بلکه از شروط کافی نیز به‌شمار می‌رود. از این‌رو کاهش شکاف‌های اجتماعی و اقتصادی و نیز ایجاد امنیت اقتصادی برای میل به اهداف توسعه اقتصادی و ایجاد خدمات عمومی، استقرار نهادهای اقتصادی و ایجاد فرصت‌های مناسب برای استفاده مطلوب از منابع و حضور سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی در عرصه اقتصاد و همچنین توزیع مطلوب‌تر از وظایف مهم و ضروری دولت به‌شمار می‌آید. در این راستا، اکنون با گذشت چند سال از ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴، باید با سرعت بیش‌تری به‌دنبال منطقی کردن حضور دولت در اقتصاد و شکستن انحصارهای دولتی و افزایش حضور بخش خصوصی با بهبود وضعیت حقوق مالکیت در اقتصاد به‌منظور افزایش کارایی بود. امید است، اجرای سیاست‌های فوق‌الذکر ضمن اصلاح ساختار دولت، سبب بهبود شاخص درجه بازی اقتصاد و کاهش فساد اقتصادی و به تبع آن رشد مطلوب‌تر اقتصاد کشور می‌شود.

منابع

- باردان، پیراناب (۱۳۷۸)؛ «فساد اداری و توسعه»، ترجمه جواد روحانی رصاف، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۲.
- حقانی، فتح‌الله (۱۳۷۹)؛ بررسی علل اقتصادی فساد مالی در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- Ades, Alberto & Di Tella, Rafael (1999); "Rents, Competition and Corruption" *American Economic Review*, No. 89 (4), pp. 982-93.
- Ali, Abdiweli & Isse Hodan (2003); "Determinants of Economic Corruption: a Cross- Country Comparison", *Cato Journal*, Vol. 22, No. 3.
- Brunetti, Aymo & Weder, Beatrice (2003); "A Free Press is Bad News for Corruption", *Journal of Public Economics*, No. 97, pp. 1801-1824.
- Fraser Institute, (2005); *Economic Freedom of the World*, Annual Report, Copyright ©2005 by The Fraser Institute.
- Coleman, J.S. (1988); "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.
- Fisman, Raymond & Jakob Svensson, (200); "Are Corruption and Taxation Really Harmful to Growth? Firm Level Evidence", *Journal of Development Economics*, IIES, Stockholm University, Processed. (<http://www.iies.su.se/~svenssoj/corrgrowth.pdf>).
- Graeff, p. & Mehlkop, G. (2003); "The Impact of Economic Freedom on Corruption: Different Patterns for Rich and Poor Countries", *European Journal of Political Economy*, No.19, pp. 605-20.
- Gray, Cheryl & Dariel kawfmom (1998); "Corruption and Development", *Finance & Development*, pp.7-10, March 1998.
- Grootaert, Christian and Thierry van Bastelaert (eds.) (2002); "Understanding and Measuring Social Capital", A Multidisciplinary Tool for Practitioners, The World Bank.
- Huang, Haizhou & Shang-Jin wei (2003); "Monetary Policies for Developing Countries: The Role of Corruption", NBER Working Paper 10093, <http://www.nber.org/Papers/w10093>.
- Huntington, S-(1968); "Political order in changing societies", New Haven: Yale University Press.
- Leff, N. (1964); "Economic Development through Bureaucratic Corruption", *The American Behavior Scientist*, November 98 (2), pp 8-12.

- Li, Hongyi & Xu, Lixin & Zou, Heng (2000); "Corruption, Income Distribution and Growth", *Economic and Politics*, Vol. 12, No. 2.
- Mauro, Paolo (1997), "Why Worry About Corruption?", *International Monetary Fund*, Economic Issues b.
- Mouro, Paolo (1995), "Corruption and Growth", *The Quartely Journal of Economics*, pp. 681-712, August 1995.
- Myrdal, Gunnar (1989); "Corruption: Its Causes and Effects", *Political Corruption: A Handbook*, Transaction Publishers, pp. 953-962.
- Neeman, Zvika & Paserman, Daniele (2003); "Corruption and Openness", SSRN: <http://ssrn.com/abstract=433262>.
- Sepulveda, Facunda & Mendez, Fabio (2000); "Corruption and Growth: Theory and Evidence", econrsss.anu.edu.au/Staff/sepulveda/pdf/cv-feb03.pdf.
- Sepulveda, Facunda & Mendez, Fabio (2001); "Is Corruption Harmful to Growth? Evidence from a Cross-Section of Countries", <http://econrsss.anu.edu.au/Staff/sepulveda/>.
- Smarzynska, Beata K. & Shang-Jin Wei (2000); "Corruption And Composition of Foreign Direct Investment: Firm-Level Evidence", NBER working Paper No. 7969, Available online at <http://www.nber.Org/papers/w7969>.
- Svensden, G.T. (2003); "Social Capital, Corruption and Economic Growth: Eastern and Western Europe", Department of Economics, Aarhus School of Business, WORKING PAPER 03-21, ISSN 1397-4831.
- Tanzi, Vito (1998); "Corruption Around the World: Causes, Consequences, Scope, and Cures", *IMF Staff Papeers*, 45 (4), pp. 559-94
- Tanzi, Vito and Hamid Davoodi (1997); "Corruption, Public Investment and Growth", IMF Working Paper, WP/97/139, October 1997.
- Uslaner, Eric. (2004), "Trust and Corruption", For Johann Graf Lambsdorf, Markus Taube, and Matthias Schramm, eds., *Corruption and the New Institutional Economics* (London: Routledge, 2004).
- Van Rijckeghem, Cardina & weder, Beatrice (2001); "Bureaucratic Corruption and the Rate of Temptation: Do Wages in the Civil Service Affect Corruption, and by How Much?", *Journal of Development Economics*, No. 65, pp.307-31.